

## جایگاه شرکتهای کوچک و متوسط در نظامهای اقتصادی اجتماعی (SMALL AND MEDIUM SIZED ENTERPRISES=SMEs)

ایجاد و حمایت از بنگاههای کوچک و متوسط یکی از اولویتهای اساسی در برنامه های توسعه اقتصادی در بسیاری از کشورهای پیشرفته و نو توسعه یافته است.

بنگاههای اقتصادی کوچک و متوسط در ایجاد اشتغال، و فراهم کردن بستر مناسب برای نوآوری و افزایش صادرات نقش مهمی دارند.

شرکتهای کوچک از انعطاف پذیری بیشتری برخوردارند و کارآفرینی و خلاقیت بیشتری در آنها صورت می پذیرد.

شرکتهای کوچک و متوسط راحت تر می توانند خود را با تغییرات پرشتاب محیطی منطبق کرده و نسبت به عوامل اقتصادی و سیاسی سریعتر واکنش نشان دهند.

بنگاههای کوچک و متوسط عامل جذب و اشتغال بخش عظیمی از جمعیت کشورها و آموزش نیروی کار ماهر هستند.

تامین نیروی انسانی متخصص برای شرکتهای بزرگ توسط شرکتهای کوچک و متوسط صورت می گیرد.

### اشاره

تحولات پیچیده و سریع چند دهه اخیر و نیز شتاب گیری روند جهانی شدن موجب شده است تا جوامع گوناگون تلاش کنند تا بیش از پیش خود را برای پذیرش تحول آماده کنند. آنچه که تا چند دهه پیش به عنوان یک امتیاز اقتصادی تلقی می شد، عبارت بود از برپایی و فعال نگهداشتن شرکتهای بزرگ و چنین استدلال می شد که هرچه این شرکتهای بزرگتر باشند، اقتصاد پویاتر و قدرتمندتر می گردد.

اگرچه این تفکر طی چندین دهه رونق گرفت و برپایه آن شرکتهای غول پیکری هم پدیدار شدند؛ ولی تحولات اخیر و بویژه فشارهای جمعیتی، نوآوریهای لحظه به لحظه، پیچیده تر شدن فرایندهای مدیریتی و تصمیم گیری، نیاز به تصمیم

گیریهای آنی و ضروری و تجارب حاصل از فعالیتهای بنگاههای خرد و متوسط (SMEs) اهمیت این بنگاهها را نمایان ساخته است.

باتوجه به این اهمیت و آثار اجتماعی - اقتصادی گسترش بنگاههای خرد و متوسط، و نیز توجهی که در جهان امروز به آن می شود، سازمان مدیریت صنعتی از چندی پیش پرداختن به این موضوع را در دستور کار خود قرار داده است.

در این راه با برگزاری دوره های آموزشی، سمینارها، ارائه خدمات مشاوره ای، و نیز ترویج و نشر مقالات و کتابها، تلاش می شود تا ابعاد گوناگون این پدیده به جامعه اقتصادی و صنعتی کشور شناسانده شود. به این ترتیب برنامه ای تدوین شده است تا در قالب آن یک رشته مقالات پژوهشی نوشته و انتشار یابد که علاوه بر اهمیت و مسایل این بنگاهها، تجربه دیگر کشورها را بویژه در زمینه بسترسازی برای فعالیت این گونه بنگاهها به زبانی ساده و روشن بیان نماید. مقاله زیر به همین منظور تهیه شده است که به عنوان گام نخست، نگاهی اجمالی و کلان به یک رشته مسایل مهم در زمینه بنگاههای خرد و متوسط می اندازد. امید است که در شماره های آینده تدبیر مسایل این بنگاهها از ابعاد گوناگون و در کشورهای مختلف تدوین و انتشار یابد. گروه مطالعات SMEs در سازمان مدیریت صنعتی از اظهار نظر و کمکهای اندیشمندان، پژوهشگران و علاقمندان به مسائل بنگاههای خرد و متوسط استقبال می کند.

گروه مطالعات SMEs سازمان مدیریت صنعتی

#### مقدمه

نگاهی به نظام اقتصاد و اجتماعی در بسیاری از کشورهای پیشرفته و نو توسعه یافته، جهان نشان می دهد که ایجاد و حمایت از بنگاههای کوچک و متوسط (SMALL AND MEDIUM SIZED ENTERPRISES=SMEs) یکی از اولویتهای اساسی در برنامه های توسعه اقتصادی این کشورها است. این بنگاههای اقتصادی علی رغم آنکه به سرمایه گذاری کمتری نیاز دارند، بازدهی بیشتری داشته و در ایجاد اشتغال، ایجاد بستر مناسب برای نوآوری و اختراعات و افزایش صادرات این کشورها، نقش مهمی دارند.

باتوجه به مشکلاتی که این گونه بنگاهها با آنها روبه رو هستند، در کشورهای مختلف قوانین و تسهیلات گوناگونی برای حمایت از آنها به وجود آمده است و ایجاد فضای مناسب برای کمک به رشد و توسعه آنها یکی از مسئولیتهای اصلی دولتها

است.

## تعریف بنگاههای کوچک و متوسط

بنگاههای کوچک و متوسط در کشورهای مختلف جهان دارای شباهتهای بسیاری هستند اما با وجود این، نمی توان تعریف واحد و یکسانی از آنها به دست داد و هر کشور باتوجه به شرایط خاص خود، تعریفی از این بنگاهها ارائه کرده است.

بیشتر این تعریفها براساس معیارهای کمی مانند تعداد کارکنان و میزان گردش مالی (TURNOVER) مطرح شده اند. مثلاً در ایالات متحده آمریکا، بنگاههایی را که کمتر از ۵۰۰ نفر پرسنل داشته باشند، شرکت کوچک می نامند. درحالی که در آلمان شرکتهایی را که دارای کمتر از ده نفر پرسنل باشند. کوچک و از ده تا ۴۹۹ نفر را شرکتهای متوسط محسوب می کنند.

براساس معیارهای اتحادیه اروپا نیز، صنایع کوچک و متوسط برحسب تعداد کارکنان و مبلغ گردش سرمایه سالانه تعریف می شوند. براین اساس، بنگاهی کوچک یا متوسط نامیده می شود که تعداد کارکنان آن کمتر از ۲۵۰ نفر باشد و مبلغ گردش مالی سالانه آن هم از ۴۰ میلیون یورو تجاوز نکند. در آسیا نیز برای طبقه بندی شرکتهای کوچک و متوسط از معیارهای کمی مختلفی استفاده می شود که برخی از آنها عبارتند از: تعداد کارکنان، ارزش داراییها، میزان گردش مالی سالانه، میزان سرمایه و... جدول شماره یک تعاریف گوناگون و معیارهای آن را در کشورهای مختلف آسیا نشان می دهد.

میزان گردش مالی شرکتهای نیز معیار دیگری برای طبقه بندی شرکتهای کوچک و متوسط در آلمان به شمار می رود. شرکتهایی که گردش مالی آنها تا ۲۵ میلیون یورو در سال باشد، شرکت متوسط و شرکتهایی که گردش مالی آنها حدود ۲۵۰ هزار یورو باشد، شرکت کوچک به حساب می آیند.

هرچند این تعاریف کمی، تقسیم بندی را راحت تر می کند، اما معیارهای کمی همیشه برای طبقه بندی شرکتهای روش مناسبی نیستند. مثلاً یک شرکت فولادسازی که مجموع کارکنان آن ۵۰۰ نفر باشد، در صنعت فولاد یک شرکت متوسط به حساب می آید، درحالی که یک شرکت خدماتی مانند یک شرکت مشاوره مالی با حدود پانصد نفر پرسنل، یک شرکت بزرگ در زمینه خودش محسوب می شود. بنابراین، کیفیت و مشخصات کیفی شرکتهای نیز مهم است.

معمولاً شرکتها و بنگاههای کوچک و متوسط از سه ویژگی کیفی برخوردارند:

۱ - وحدت مالکیت و مدیریت؛

۲ - مالکیت فردی و خانوادگی؛

۳ - استقلال از سایر بنگاهها.

### اهمیت و نقش صنایع کوچک و متوسط

نگاهی کوتاه به ساختار نظام اقتصادی کشورهای مختلف ما را با اهمیت و جایگاه شرکتها و بنگاههای کوچک و متوسط بیشتر آشنا می کند. درخصوص اهمیت این شرکتها، همین بس که حداقل ۲/۳ میلیون موسسه کوچک و متوسط در آلمان وجود دارد که تعداد کارکنان آنها ۲۰ میلیون نفر است و ۷۰ درصد کل شاغلان این کشور را در خود جای داده اند.

در ایالات متحده نیز حدود ۲۵ میلیون بنگاه کوچک وجود دارد که بیش از ۵۰ درصد از نیروی کار بخش خصوصی را در اختیار دارد. این بنگاهها به تنهایی نیمی از تولید ناخالص داخلی ایالات متحده را تامین کرده و ۹۶ درصد از کل صادرات این کشور نیز توسط این شرکتها تولید می شوند.

این شرکتها به دلیل ویژگیهای خاصی که دارند، از کارکردهای بی بدیلی برخوردارند:

! شرکتهای کوچک از انعطاف پذیری بیشتری برخوردار بوده و کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری بیشتری در آنها صورت می پذیرد. این شرکتها راحت تر می توانند خود را با تغییرات پرشتاب محیطی تطابق داده و نسبت به مولفه های محیطی همچون عوامل اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژیکی سیاسی، و قانونی سریعتر واکنش نشان دهند. جالب است بدانیم که بیش از ۵۵ درصد از نوآوریها و اختراعاتی که در ایالات متحده آمریکا به ثبت می رسد، در شرکتها و موسسات کوچک و متوسط رخ می دهد.

! بنگاههای کوچک و متوسط عامل جذب و اشتغال بخش عظیمی از جمعیت کشورها و آموزش و تربیت نیروی کار ماهر هستند. به عنوان مثال در آلمان، ۸۰ درصد از نیروی کار ابتدا جذب صنایع کوچک و متوسط می شوند و آموزشهای لازم و

مهارت‌های حرفه‌ای موردنیاز را کسب می‌کنند، به گونه‌ای که این صنایع برای دانش‌آموزان و دانشجویان به کارگاهی برای کسب مهارت‌های فنی و حرفه‌ای تبدیل شده‌اند.

! تامین نیروی انسانی متخصص برای شرکت‌های بزرگ، غالباً توسط شرکت‌های کوچک و متوسط صورت می‌گیرد. این مسئله به صورت یکی از مشکلات کنونی این گونه‌ها درآمده است، زیرا غالباً افراد متخصص پس از کسب تجربه در شرکت‌های کوچک و متوسط، جذب صنایع بزرگتر و جذابتر می‌شوند.

! از آنجا که بنگاه‌های کوچک و متوسط در مقایسه با صنایع بزرگ با سرمایه کمتری می‌توانند ایجاد اشتغال کنند، تعداد مشاغلی که این دسته از شرکتها ایجاد می‌کنند بیشتر از شرکت‌های بزرگ است.

! امکان ایجاد مشاغلی به صورت، «خویش فرما» (SELF-EMPLOYMENT) باعث می‌شود تا کارآفرینان با انگیزه بیشتری به این دسته از شرکتها روی بیاورند.

! جذب و پذیرش کارکنان با شرایط خاص در این بنگاهها با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد. این شرکتها توانسته‌اند امکان اشتغال برای افراد جوان، سالمندان، زنان، کارکنان پاره وقت و حتی افراد معلول نیز فراهم کنند.

! در این گونه بنگاهها به راحتی می‌توان بدون نیاز به برنامه ریزی و تغییرات گسترده در ساختار، گروههای میان وظیفه‌ای یا گروههای کاری با ترکیبی از متخصصان مختلف را فراهم آورد.

! هزینه بیرون آمدن از صنعت برای این گونه شرکتها در مقایسه با شرکت‌های بزرگ کمتر است از این رو بسیاری از کشورهای جهان توجه خاصی به این گروه از بنگاهها دارند و با مطالعه و بررسی درمورد مسائل و مشکلات آنها سعی در استفاده از مزیت‌های گوناگونی دارند که این شرکتها ایجاد می‌کنند.

## مشکلات بنگاههای کوچک و متوسط

شرکت‌های کوچک و متوسط در اغلب کشورهای جهان با مشکلات نسبتاً مشابهی مواجه هستند. در اینجا به پاره‌ای از

مشکلات مرتبط با این شرکتها اشاره می کنیم و در ادامه اقدامات برخی نهادها جهت رفع این مشکلات را موردبررسی قرار می دهیم:

! کمبود دانش اقتصادی، مالی و مدیریتی بویژه در زمان تاسیس باعث بروز مشکلاتی برای این گونه شرکتها می شود به گونه ای که گاهی یک فرد مجبور به انجام کارهای تخصصی متعددی می شود که خارج از صلاحیت حرفه ای وی است.

! به علت نبود مراجع حمایت کننده و اثرگذار، صنایع کوچک نمی توانند بر روی تغییرات محیطی تاثیر بگذارند و همین مسئله آسیب پذیری این دسته از صنایع را افزایش می دهد.

! تامین منابع مالی برای این شرکتها در مقایسه با شرکتهای بزرگ مشکل تر است، بویژه آن که بانکها شرایط سخت تری را از نظر وثیقه و نرخ بهره بالاتری به آنان تحمیل می کنند.

! تامین و حفظ نیروی انسانی از مشکلات همیشگی این بنگاههاست زیرا بیشتر متخصصان تمایل به فعالیت در شرکتهای بزرگ دارند و حتی ممکن است پس از کسب آموزشهای لازم در صنایع کوچک، آن جا را ترک کنند.

! این صنایع نه تنها غالباً از تجارب مدیریتی بی بهره اند، بلکه امکان استفاده از خدمات مشاوره ای متخصصان کارآمد را نیز به لحاظ محدودیت منابع مالی ندارند.

! شرایط خاص فرهنگی در برخی از کشورها عموماً ممکن است برای این شرکتها جایگاهی از نظر مولدبودن قائل نباشد. مثلاً در کشور ما غالباً صنایع خدماتی را مولد محسوب نمی کنند.

! در بیشتر موارد این شرکتهای متوسط و کوچک فاقد هرگونه شکل حمایت کننده در امور بازاریابی و صادرات هستند و این امر هزینه های صادراتی و ریسکهای مرتبط با آن را افزایش می دهد.

! کارآفرینان و بنیانگذاران این صنایع وقتی به سن بازنشستگی می رسند، با مشکل پیدا کردن جانشینی شایسته برای خود مواجهند به گونه ای که برخی از این شرکتها بعد از مدتی به علت همین مسئله از بین می روند.

به علت مزایا و قابلیت‌های بسیار زیاد شرکتهای کوچک و متوسط و نقش برجسته آنها در اقتصاد کشورها و باعنایت به مسائل و مشکلاتی که این گروه از بنگاهها با آن روبرو هستند، در کشورهای پیشرفته جهان حمایت‌های گوناگونی از این شرکتها به عمل می‌آید که باعث افزایش کارایی آنان شده به گونه ای که درحال حاضر بیشتر کشورهای جهان شاهد افزایش تعداد این گروه از شرکتها است.

در این بخش به معرفی برخی از نهادهای حمایت کننده از صنایع کوچک و متوسط و برخی اقدامات آنها در کشور آلمان می‌پردازیم.

### اتاقهای بازرگانی

در آلمان تمامی شرکتهای کوچک و متوسط براساس قانون ملزم به عضویت در این اتاق هستند. این اتاق نه تنها از منافع و مصالح اعضای خود دفاع می‌کند، بلکه مصالح کل اقتصاد را نیز در نظر می‌گیرد. وظیفه مهم این اتاق، آموزش کارکنان و آزمون مهارتهای حرفه ای آنها براساس استانداردهای تعریف شده در سراسر کشور است.

یکی دیگر از وظایف مهم اتاقهای بازرگانی، ایجاد رابطه با دیگر کشورهای جهان برای تسهیل در امر مبادلات اقتصادی و صادرات و واردات است که از این طریق خدمات برجسته ای در اختیار شرکتهای کوچک و متوسط قرار می‌دهد.

### بانکها و موسسات مالی و اعتباری

در بیشتر کشورهای پیشرفته، نهادهای مالی با قوانین و تسهیلاتی که برای حمایت از بنگاههای کوچک و متوسط شکل گرفته اند، به تامین مالی برای این گونه شرکتها پرداخته اند. مثلاً در کشور آلمان بسیاری از این نهادها از راههای زیر به بهبود وضع اقتصادی و مالی شرکتهای کوچک و متوسط کمک می‌کنند:

! اعطای وامهای کوتاه مدت مبتنی بر برنامه شرکتهای (BUSINESS PLAN) ؛

! مشارکت در پروژه ها؛

! ارائه تضمینهای لازم؛

! ارائه مشاوره های مالی؛

! ایجاد آژانسهای مشارکتی برای شرکتهای کوچک و متوسط.

این موسسات معمولاً خدماتی در زمینه های زیر به شرکتهای کوچک و متوسط ارائه می کنند:

! ایجاد شرکتهای جدید و کمک به کارآفرینانی که قصد تاسیس این گونه شرکتهای را دارند؛

کمک به رشد شرکتهای موجود؛

! کمک در زمینه نوآوریهای علمی، فنی و تکنولوژیکی؛

! حمایت از برنامه های کارآموزی و آموزشهای پیشرفته در این شرکتهای.

محورهای سرمایه گذاری این بانکها و موسسات اعتباری، از یک طرف تقویت سرمایه شخصی و از طرف دیگر دادن وام با شرایط و تسهیلات مناسب تری به این بنگاهها است. این اقدامات، پیامدها و نتایجی برای صنایع کوچک در پی دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

! نرخ بهره مناسب برای وامها؛

! وامها با نرخ بهره ثابت؛

! وامهای بلندمدت؛

! معافیت از پرداخت سود وام برای چند سال؛



! تقویت نقدینگی شرکتها؛

! بهبود وضعیت اعتباری شرکتها.

## نهادهای و مراجع دولتی و قانونگذاری

این گونه نهادها با وضع قوانین و یا تدوین بودجه و ارائه حمایتها، تسهیلات و راهکارهای اجرایی می توانند نقش مهمی در جهت حمایت از شرکتهای کوچک و متوسط ایفا کنند.

برخی از این نهادها عبارتند از: مجالس قانونگذاری، وزارتخانه های صنایع، اقتصاد، بازرگانی و... . سازمان برنامه و بودجه، تشکلهای کارگری، اتحادیه های صنفی و...

عمده ترین خط مشی دولتها برای حمایت مالی از صنایع کوچک و متوسط عبارتند از:

! ایجاد فضای کارآفرینی؛

! ارتقای کارآفرینی؛

! کاهش مالیات؛

! کاهش بوروکراسی اداری؛

! ایجاد موسسات پژوهشی و تحقیقاتی با همکاری صنایع و دانشگاهها.

باتوجه به نقش ویژه این دسته از شرکتها در ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی و کمک به ایجاد و حفظ ثبات اجتماعی و باعنایت به نقش ممتاز آنها در افزایش صادرات و ایجاد اختراعات و نوآوریها و دیگر کارکردهای بی بدیل صنایع کوچک و

متوسط، به نظر می رسد که یکی از بهترین شیوه ها برای ایجاد تحول و توسعه همه جانبه اقتصادی و اجتماعی کشور، توجه خاص همه سیاستگذاران، برنامه ریزان، نهادهای قانونگذاری و اجرایی به اهمیت و نقش این دسته از بنگاهها است. ۱

مرجع : خانه کارآفرینی